گفت‌وگو

نقد اکبر ترکان به هدفمندسازی یارانه‌ها:

هدف دولت فقط توزیع پول بین خانوار است

■ **فارس:** معاون سابق برنامه‌ریزی وزیر نفت برخلاف نظر بسیاری دیگر، شتاب اصلاح قیمت‌ها را در یک سال گذشته کافی نمی‌داند و در بیان قوت و ضعف نحوه اجرای این قانون به عمل دولت به بخشی از قانون نه به همه آن، اکتفا به پرداخت یارانه نقدی به خانوار بدون توجه به تولید و عدم حذف پردرآمدها اشاره می‌کند.

بخشی از گفت‌وگو با اکبر ترکان در ادامه می‌آید:

یک‌سال از آغاز اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌گذرد. آیا اجرای این قانون به اهدافی که برای آن طراحی شده بود رسیده است؟ میزان موفقیت آن را تا چه میزان ارزیابی می‌کنید؟

هدف قانون‌گذار که در قانون آمده هدف مهمی است اما هدف دولت بخشی از هدف قانون‌گذار را تامین می‌کند. قانون‌گذار به‌دنبال آن است که با اصلاح قیمت مصرف بی‌مهابا و لجام‌گسیخته، انرژی کشور مهار شود. اما اثر این افزایش قیمت که موجب کاهش مصرف خواهد شد روی اقتصاد ضعیف کشور فشار می‌آورد و قانون‌گذار تلاش کرده است با اقدامات جبرانی اثر آن را روی اقشار ضعیف کشور برطرف کند. از سویی برای صنعت و کشاورزی نیز که به‌عنوان بنگاه‌های تولیدی ممکن است در این مسیر آسیب ببینند، اقدامات جبرانی پیش‌بینی کرده است. این هدف قانون‌گذار است اما چیزی که هدف دولت است و از رفتار آن مشاهده می‌شود آن است که توجه دولت به یارانه‌های مستقیم به خانواده‌هاست و نه به صنعت و نه به کشاورزی و نه به کاهش مصرف کاری دارد.

چرا چنین تصوری دارید؟

توضیح می‌دهم، زمانی رفتار مصرف‌کننده تحت‌تاثیر قیمت اصلاح می‌شود که اثر قیمت روی سبد خانوار محسوس باشد. زمانی که تغییرات قیمت به گونه‌ای انجام شود که هم افزایش قیمت صورت گیرد و هم مردم به این افزایش قیمت عادت کنند بدون اینکه مصرف خود را کاهش دهند، مهم‌ترین هدف قانون یعنی کاهش مصرف انرژی کشور را محقق نمی‌کند.

به هر حال در وهله اول اجرای قانون شاهد کاهش مصرف در بعضی حامل‌های انرژی مانند بنزین، نفت گاز یا حتی اندکی در گاز طبیعی خانگی بودیم در عین حال، دولت از کاهش مصرف با توجه به یارانه‌ای که پرداخت می‌کند سود می‌برد. چرا نباید به کاهش مصرف علاقه‌مند باشد؟

هدف اصلی دولت در حال حاضر پرداخت یارانه نقدی است. یعنی به دلیل مسایل سیاسی می‌خواهد یارانه مستقیم را حتما پرداخت کند. مستقل از اینکه اصلا درآمدی وجود دارد یا نه. کمااینکه در بودجه امسال از ابتدا معلوم بود که درآمد حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها جوابگوی پرداخت یارانه مستقیم به خانواده‌ها نیست اما دولت از هر محل ممکن این پول را تامین می‌کند. بنابراین، هدف دولت توزیع پول است و به اهداف مهمی مانند کاهش مصرف انرژی کمتر اعتنا دارد.

دلیل اصرار شما بر اینکه علاقه اصلی دولت توزیع پول است و توجهی به دیگر اهداف هدفمندی یارانه‌ها ندارد چیست؟

خانواده‌هایی که در حال حاضر یارانه می‌گیرند به قرار معلوم بیش از ۷۰میلیون نفر را شامل می‌شوند.

آیا همه این جمعیت باید یارانه دریافت کنند؟

طبعا خیر.بنابراین ما باید به اقشار ضعیف یارانه پرداخت کنیم نه اینکه به همه جمعیت کشور به صورت یکسان یارانه پرداخت کنیم. گفتند، ماه‌های اول برای اینکه کسی اعتراض نکند به همه یارانه می‌دهند اما با گذشت یک‌سال زمان به اندازه کافی وجود داشته که ما بتوانیم بگوییم کسانی که از حد نصابی مثلا دو برابر یا سه برابر حداقل دستمزد یک کارگر بیشتر دریافت می‌کنند از فهرست دریافت‌کنندگان یارانه حذف شوند. هرساله یک حداقل دستمزد برای کارگران تعیین می‌شود. کسانی را که سه برابر این رقم درآمد ماهانه دارند، می‌توان از فهرست یارانه‌بگیران حذف کرد یا کسانی که از نظر ارزش دارایی‌ها (چنانکه همه دارایی اشخاص در اظهارنامه‌های آنها آمده است) از حد نصاب خاصی بالاتر است از فهرست دریافت‌کنندگان یارانه حذف شوند. به این ترتیب، ما منابع را بهینه هزینه می‌کنیم و یارانه به کسانی داده می‌شود که واقعا به آن نیاز دارند. اینها اقداماتی است که انجام نشده و به نظر من، غفلت از روح قانون است. در عین حال به صنعت و کشاورزی نیز کمکی ارایه نشده است. یعنی آن‌گونه که قانون تعیین کرده در این مورد کمک نشده و رفتار نشده است. وقتی شما درباره رسیدن به اهداف می‌پرسید باید گفت که قانون‌گذار یک هدف دارد و یک هدف متفاوت نیز آقای رییس‌جمهور دارد. آقای رییس‌جمهور همه اهداف قانون را تعقیب نمی‌کند. بلکه بخشی از هدف قانون را که ناظر به پرداخت مستقیم است، دنبال می‌کنند.

بعضی واقعیت‌های موجود این حرف را تایید می‌کند اما از سوی دیگر، دولت می‌گوید ما نتوانستیم به دلیل ضعف ساختارهای آماری ضعفای جامعه را احصا و مشخص کنیم...

دولت می‌گوید ضعفا را نتوانستیم احصا کنیم. ایرادی ندارد اما اغنیا را که می‌توان احصا کرد. بگوییم چون نتوانستیم ضعفا را احصا کنیم اغنیا را احصا کردیم و از فهرست دریافت‌کنندگان کنار بگذاریم. با یک برآورد بسیار آسان می‌توان کسانی را که سه برابر حداقل دستمزد دارند، مشخص کرد. همه کسانی که چه تابع تامین اجتماعی یا تابع قانون خدمات کشوری چنین دریافتی دارند، می‌توانند خارج از فهرست گذاشته شوند.

تعداد چنین کسانی قابل توجه است؟

هرقدر که هست باید انجام شود. بالاخره اگر نتوانستیم ضعفا را تشخیص دهیم اغنیا را تشخیص دهیم. از روی اظهارنامه دارایی‌ها به آسانی می‌توان برای هر منطقه، قیمت منطقه‌ای مسکن را استخراج کنیم و بگوییم کسانی که از حد نصابی مشخص، دارایی بیشتری دارند یارانه دریافت نمی‌کنند.

موسی‌الرضا ثروتی در گفت‌وگو با «شرق»:

دولت برخورد جدی با تخلفات ندارد

■ **اگر دولت تا پایان آذرماه بودجه را تحویل ندهد، بودجه به بعد از عید موکول می‌شود**

مهدی دل‌روشن: این روزها، بحث دیر آمدن جزوه بودجه به مجلس، حساب کتاب و برنامه‌ریزی بهارستانی را کمی تغییر داده است. هرچه باشد، اسفندماه آنها باید لباس مبارزات انتخاباتی به تن کنند تا در میدان رقابت، پیروز شوند. البته از همین الان هم، رقابت‌ها آغاز شده و نمایندگان مجلس هشتم دوست دارند، آخرین بودجه را سر وقت، تصویب کنند. اما شواهد نشان می‌دهد که باید کمی بیشتر منتظر باشند تا قانون بودجه از ساختمان اصلی میدان پاستور بیرون بیاید. تاخیر در ارایه بودجه از سال گذشته، کلید خورد و تابوی دیررسیدن سند پولی و مالی کشور را شکست. این موضوع و چند مساله دیگر، بهانه گفت‌وگوی شرق با موسی‌الرضا ثروتی (عضو کمیسیون برنامه و بودجه) شد.

طبق خبرهای منتشر شده لاریجانی به احمدی‌نژاد هشدار داده که هرچه سریع‌تر بودجه ۹۰ را به مجلس بیاورد؛ در این زمینه چه نظری دارید؟

طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، دولت هر سال تا ۱۵ آذر موظف است بودجه را به مجلس ارایه دهد.

طبق آیین‌نامه اصلاحی نیز اگر دولت تا ۱۵ آذر بودجه را به مجلس ارایه ندهد، موظف است که بودجه چنددوازدهم ارایه دهد که اگر باز هم ارایه نداد، نمایندگان می‌توانند بودجه چنددوازدهم را ارایه دهند.

در حال حاضر، یک هفته از ۱۵ آذر گذشته است و دولت بودجه را ارایه نداده، نمی‌شود گفت دولت تعمد دارد اما در کارهایش سهل‌انگاری می‌کند.

روال بودجه، یک روال قانونی است که در مرداد ماه به وزارتخانه‌ها ابلاغ می‌شود و وزارتخانه‌ها به استان‌ها ابلاغ می‌کنند و بعد استان‌ها بودجه را سازمان‌دهی و جمع‌بندی می‌کنند.

در حال حاضر، دولت مشکل خاصی برای ارایه بودجه ندارد اما متاسفانه سهل‌انگاری می‌کند.

سال گذشته، اولین بار در طول تاریخ بعد از انقلاب، یک‌بار بودجه بعد از عید بسته شد که این بسیار ناخوشایند بود. در مملکت بدون بودجه و برنامه‌ریزی نمی‌توان حساب و کتاب کرد و انتظار موفقیت داشت. در این صورت، کارها با تاخیر، تعطیلی و بی‌نظمی پیش می‌رود؛ در یک کلمه می‌شود عنوان کرد دولت بی‌نظم است و پیوسته بی‌انضباطی قانونی زیادی انجام می‌دهد. یکی از این موارد این است که دولت سه بار در دام ماده ۲۳۳ افتاده است.

از بعد انقلاب، انجام ماده ۲۳۳ آیین داخلی در تمام این سال‌ها، سابقه نداشته است که متاسفانه سه بار شاهد صورت‌پذیری آن بوده‌ایم.

طبق این ماده هر بار رییس‌جمهور یا وزرا، قانون را نقض کنند و ۱۰نفر از نمایندگان این تخلف را با امضا تایید کنند، این دادخواست در کمیسیون مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ بعد به صحن مجلس می‌آید و بعد اگر در صحن مجلس، نمایندگان رأی بدهند، دادخوست به قوه‌قضاییه ارایه می‌شود.

نمونه‌های این تخلفات را ذکر می‌کنید؟

رییس‌جمهور برای پرداخت یک‌میلیون تومان به نوزادان، تخلف کرد چون در قانون، بودجه پیش‌بینی نشده بود و ایشان از بودجه‌های دیگر برداشتند و این وعده‌شان را عملی کردند.

وزیر کار هم با وجود تذکرات فراوان، تخلف انجام داده است. حتی در این رابطه به وزیر کار تذکر داده شد که دیگر مصاحبه‌های خلاف قانون انجام ندهند. در هر صورت این به چالش انداختن جامعه توسط دولت کار مناسبی نیست.

دولت موظف است قانون را انجام بدهد حتی مقام معظم رهبری در این مورد فرموده‌اند: مجلس ریل‌گذاری می‌کند و دولت روی ریل‌ها حرکت می‌کند و نباید خارج از آن حرکت کند.

اگر دولت سر موعد مقرر، بودجه را ندهد، مجلس چه برخوردی خواهد داشت؟

در حال حاضر، اگر دولت بودجه چنددوازدهم را نیاورد، نمایندگان باید طرح را تهیه و ارایه دهند. بودجه یک برنامه زمانبندی دارد و قانونا بررسی هر بودجه سه ماه وقت می‌برد. ۱۰ روز مهلت هست تا نمایندگان، پیشنهادهای خود را بدهند، سپس کمیسیون برنامه و بودجه وارد گود می‌شود و در نهایت، بودجه به کمیسیون تلفیق می‌رود تا طی مدت تقریبا سه ماه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

اگر دولت تا پایان آذر ماه بودجه را تحویل ندهد، بودجه به بعد از عید موکول می‌شود چون تا پایان سال سه ماه بیشتر فرصت نداریم و انتخابات نزدیک است. یک ماه صرف انتخابات می‌شود و دو ماه باقی‌مانده همزمان کافی برای ارایه بودجه نیست.

مجلس چه تدابیری را برای کسری بودجه پیش‌بینی کرده است، با توجه به اینکه روند کسری بودجه هر سال به طور چشمگیری افزایش صعودی پیدا کرده است؟

تا پایان شهریورماه مبحث یارانه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است (۹ماه کامل). دولت، مابه‌تفاوت هشت قلم کالایی که قیمت‌شان افزایش پیدا کرده را ۱۷هزارو ۸۰۰ میلیاردتومان برآورد کرده و میزان یارانه پرداختی به مردم نیز ۲۵هزار و ۵۰۰ میلیاردتومان بوده است.

در قانون بودجه ۴۰۰میلیارد تومان برای یارانه مصرفی و ۳۵۰۰میلیارد تومان برای یارانه انرژی در نظر گرفته‌ایم؛ همچنین دولت، هشت‌هزارمیلیارد تومان به بانک مرکزی مقروض است و هنوز پرداخت نکرده است. با توجه به این موارد، پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال دولت ۱۰ الی ۱۲میلیارد تومان بابت یارانه‌ها، کسری بیاورد

در قانون بودجه ۴۰۰میلیارد تومان برای یارانه مصرفی و سه‌هزارو ۵۰۰میلیارد تومان برای یارانه انرژی در نظر گرفته‌ایم؛ همچنین دولت، هشت‌هزارمیلیارد تومان به بانک مرکزی مقروض است و هنوز پرداخت نکرده است. با توجه به این موارد، پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال دولت ۱۰ الی ۱۲میلیارد تومان بابت یارانه‌ها، کسری بیاورد مگر اینکه قیمت‌ها افزایش پیدا کند یا تعداد گیرنده‌های یارانه کاهش یابد یا انجام طرح‌های عمرانی را به تعویق بیندازد.

دولت در هفت ماه، سه‌هزارمیلیارد تومان از ۹هزار و ۸۰۰میلیارد تومان بودجه عمرانی را هزینه کرده و بقیه هزینه نشده است.

در ارتباط با مالیات‌ها هم طبق آخرین آمارهای ارایه شده از ۴۰هزارمیلیارد تومان، پیش‌بینی شده ۱۸هزارمیلیارد تومان درآمد کسب شده یعنی ۲۵درصد از درآمد مالیات‌ها و سایر درآمدها محقق نشده است. همین ۲۵درصد تا هفت ماه، جزو کسری محسوب می‌شود حال باید ببینیم تا آخر سال چقدر کسری می‌آورد.

انحلال سازمان مدیریت برنامه‌ریزی و بودجه، مسیر بودجه‌ریزی را با انحراف معیار روبه‌رو کرد؛ هر سال هم مشکلی پیش می‌آید، مثلا بودجه پارسال را اردیبهشت ماه امسال بستند که خیلی دیر شد، نظر شما در این مورد چیست؟

خود سازمان برنامه‌ریزی قبلا گرفتار پاره‌ای از مشکلات بود؛ آنها توزیع بودجه را طبق شاخص‌ها انجام نمی‌دادند به همین دلیل، الان فاصله طبقاتی بین استان‌ها بسیار زیاد شده است. به طوری که من چندین بار به رییس‌جمهور تذکر شفاهی و کتبی دادم و از او سوال کردم که چرا اصل ۴۸ قانون در ارتباط با توزیع متوازن مناطق را انجام نمی‌دهد؟ باید توازن صورت گیرد و فاصله‌ها از میان برود. دولت شعار مطرح می‌کند اما در عمل آنچه مورد انتظار است، اتفاق نمی‌افتد.

متاسفانه فاصله بین استان‌ها بسیار زیاد است و باید این فاصله کاهش پیدا کند. ما در قانون پنجم توسعه (ماده ۱۸۰)، دوهزارو ۵۰۰میلیارد تومان بودجه برای کاهش فاصله مناطق، منظور کردیم، به طوری که طبق این برنامه هر سال ۱۰درصد این فاصله‌ها کاهش پیدا کند اما متاسفانه این برنامه‌ها از طرف دولت به خوبی صورت نمی‌گیرد؛ این در حالی است که این برنامه جزو اساسی‌ترین برنامه‌های حکومت است.

نقش مجلس در روند اجرایی بودجه توسط دولت چیست؟ با توجه به اینکه دولت عملا در این زمینه حضور مجلس را نادیده می‌گیرد و هر کاری که بخواهد، بدون مطلع کردن مجلس انجام می‌دهد؟

درست است که تخلفاتی از سوی دولت در اجرای بودجه انجام می‌شود، ولی این‌طور هم نیست که نسبت به مصوبات مجلس بی‌توجه باشد. قطعا دولت، قانون بودجه را انجام می‌دهد اما در عمل ضعیف بوده و دارای تخلفاتی هستند. به طوری که در تفریغ بودجه سال ۸۷، حدود شش هزار تخلف داشتند و دستگاه‌ها بودجه را جابه‌جا خرج کرده بودند یا توزیع نامناسبی داشتند. این تخلفات از قبل هم بوده و الان هم است. امیدواریم دولت تخلفاتش را کم کند، راه‌حل قضیه تذکر است که ما و باقی نماینده‌ها، انجام می‌دهیم.

همچنین سوال از رییس‌جمهور هم حق نمایندگان است که به دلایل سیاسی انجام نمی‌شود. همین عوامل باعث شده دولت نسبت به اجرای قوانین کم‌توجهی کند.

آیا قبول دارید که بهارستانی‌ها کلا حریف پاستوری‌ها نمی‌شوند؟

نه این‌گونه نیست. مجلس یک‌سری ملاحظاتی را در نظر می‌گیرد، در صورتی که بهارستانی‌ها زمانی که رییس‌جمهور ۱۲-۱۰ روز بر سر کار حاضر نشد، بحث استیضاح رییس‌جمهور را مطرح کردند. در هر حال، مجلس صلاح نظام و رهبری را مورد توجه قرار داده است.

به بحث اختلاس از شستا برسیم. برخی معتقدند که تخلف هزار میلیارد تومانی شستا، در میان هیاهوی اختلاس سه‌هزارمیلیارد تومانی، گم شده است. آیا این موضوع را قبول دارید؟

در مورد تخلف شستا، روایت‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از افراد عضو کمیته تحقیق و تفحص از شستا (سلیمان جعفرزاده) بیان داشته، اسناد و مدارکی مبنی بر تخلفات صورت گرفته جمع‌آوری کرده است. همچنین ایشان اظهار داشتند به خانه‌اش و محل تحقیق و تفحص حمله کردند تا اسناد را از بین ببرند. قطعا دست‌هایی در کار است و سوءاستفاده‌هایی صورت گرفته است که باید روشن شود.

از سوی دیگر، یکی دیگر از اعضای تحقیق و تفحص اظهار داشته که تخلفی صورت نگرفته است. یک‌سری اختلاف‌نظرهایی هست که باید حل شود.

درخصوص تخلف سه‌هزارمیلیاردی، کمیسیون اصل ۹۰ موضوع را بررسی کرده و پیشنهاد داده که معاون بانک مرکزی و معاون وزیراقتصاد، استعفا دهند یا اخراج شوند. با اینکه آقای وزیر، استعفای معاون خود را اعلام کرده، اما زمزمه‌هایی مبنی بر این شنیده شده است که هنوز سر کار است! تمام اینها حاکی از آن است که درون دولت برخورد شایسته‌ای با تخلفات انجام نمی‌شود و این بحث‌ها آسیبی جدی به جامعه وارد می‌کند. من معتقدم رییس‌جمهور، اسناد و مدارک لازم را به قوه‌قضاییه تحویل دهد و این قوه، رسیدگی لازم را به عمل آورد. او بر این باور است اگر قوه‌قضاییه تخلفات دولت را پیگیری می‌کنند باید به تخلفات خودشان هم رسیدگی کنند؛ به همین علت ابهام ایجاد شده و روشن نیست، موضوع از چه قرار است. بنابراین، باید شفاف‌سازی صورت بگیرد و قوه‌قضاییه به طور جدی، تخلفات درون دولت و مجلس و هم خود قوه‌قضاییه را شناسایی کرده و برخورد قاطعی داشته باشد. متاسفانه به اعتماد مردم، خدشه وارد شده که باید دولت آن را ترمیم کند.

نحوه رسیدگی به جرایم تخلفات مالی باید چگونه باشد؟

باید برگزاری دادگاه در مورد مفاسد عمومی در حضور مطبوعات و رسانه‌ها صورت بگیرد و مطالب با صراحت منعکس شود. همچنین افراد متهم از خود دفاع کنند و اگر افراد دیگر در این تخلف دخیل باشند باید با آنها هم برخورد جدی صورت گیرد و تخلف‌شان افشا شود. اگر دادگاه را بسته نگه دارند، همواره ابهام و سوال وجود دارد، ولی اگر دادگاه را علنی کنند و مطالب شفاف بیان شود، فکر کنم برای اعتماد عمومی بهتر باشد.

بسیاری از کارشناسان معتقدند، دولت ایران هم نقش قوه‌مقننه را بازی می‌کند هم قوه‌مجریه، دلیل این امر را چه می‌دانید؟

علت این صحبت، این است که دولت یک‌سری اقداماتی انجام می‌دهد که خلاف قانون است مثلا تخلف در قانون هدفمندسازی یارانه‌ها. در اجرای بودجه و بسیاری از قوانین دیگر که این موارد برای ما شبهه ایجاد می‌کند که به نوعی دهن‌کجی به قانون است. در این راستا مجلس هم اقدامات خاص خود را انجام می‌دهد.

گذر

رتبه آخر ایران در خاورمیانه از نظر دسترسی مردم به خدمات مالی

■ **ایسنا:** نایب‌رییس کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌الملل گفت: براساس طبقه‌بندی انجمن اقتصاددانان دنیا ایران از نظر اندازه بازارخدمات مالی در رتبه اول اما در سایر موارد از متوسط عوامل منطقه در رتبه خوبی قرار ندارد. محمد مهدی بهکیش ـ نایب‌رییس کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌الملل در پنجمین همایش ملی مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری ـ مبحث رقابت‌پذیری را مدنظر قرار داد و گفت: دیدگاه‌های متعددی در تعریف رقابت‌پذیری وجود دارد به این معنا که براساس تعاریف مطرح شده توسط (IMD)، (OECD) و انجمن اقتصاددانان دنیا رقابت‌پذیری شاخصی است که نشان می‌دهد یک کشور در زمینه رفاه و دانش در چه سطحی قرار دارد. وی با اشاره به اینکه ایران در جرگه رتبه‌بندی (IMD) قرار ندارد تصریح کرد: این نهاد ۳۰۰ متغیر را برای ارزیابی مدنظر قرار می‌دهد اما انجمن اقتصاددانان دنیا ۱۵۰متغیر را لحاظ کرده که در نوع خود ساده‌تر است. بهکیش خاطرنشان کرد: در رتبه‌بندی انجمن اقتصاددانان دنیا کشورها را به سه‌گروه کشورهایی که نظام اقتصادی آنها بر مبنای عوامل تولید، کشورهایی که نظام اقتصادی آن مبتنی بر کارآیی و کشورهای که نظام اقتصادی آن مبتنی بر نوآوری تقسیم‌بندی کرده است. به گفته وی ۱۲عامل اندازه بازار، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش عالی، پیشرفته بودن بنگاه‌ها، آمادگی تکنولوژی، کارآیی بازار کالا، پیشرفته بودن بازار مالی و کارآیی نیروی بازار کار را مبنای طبقه‌بندی انجمن اقتصاددانان دنیاست. بهکیش تصریح کرد: ایران از نظر اندازه بازار در رتبه اول اما در سایر موارد از متوسط عوامل منطقه در رتبه بعدی قرار دارد. وی افزود: از نظر شاخص‌هایی مانند در دسترس بودن خدمات مالی، هزینه استفاده از خدمات مالی در میان ۲۰کشور منطقه در رتبه آخر و همچنین از نظر تامین مالی از طریق بازار سهام در رتبه ۱۳ منطقه قرار داریم. به گفته او ایران در میان ۱۳۹کشور جهان از نظر تورم در رتبه ۱۲۱، دسترسی به آخرین تکنولوژی در رتبه ۱۲۳، شفافیت در سیاستگذاری دولت در رتبه ۱۲۴، وجود موانع در تجارت در رتبه ۱۳۵ و سطح تعرفه‌ها در رتبه ۱۳۵ قرار دارد که دو عامل آخر، دلیل اصلی در رشد میزان قاچاق به کشور است.